

مقاصد شریعت اسلام در قوانین مربوط به بخشش‌های مالی (هبه، صدقه، وقف)^۱

نویسندگان: همسة فؤاد | یوسف دراوشة^۲ | محمد مطلق | محمد عساف^۳

ترجمه: مصطفی کاظمی^۴ | علی نقی عرفانی^۵ | حسین فیاض^۶

چکیده

این پژوهش به بررسی مقاصد تبرعات می‌پردازد؛ یعنی عقودی که در آن‌ها شخص بخشی از دارایی خود را با اراده کامل و بدون دریافت عوض واگذار می‌کند. اهمیت این موضوع در ارتباط آن با مقاصد شریعت نهفته است؛ زیرا هدف اصلی پژوهش، شناسایی و ضابطه‌مند کردن مقاصد خاص تبرعات برای بهره‌گیری مجتهدان در مسائل روزآمد و جزئی مربوط به این حوزه است. روش پژوهش توصیفی است؛ اما در فرایند تحلیل، از روش‌های استقرایی و استنباطی نیز استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت ماهوی میان عقود تبرعات و عقود معاوضات، مانع از قیاس‌پذیری این دو نوع عقد است؛ زیرا هر یک دارای مقاصد ویژه‌ای هستند. از جمله مقاصد ویژه شریعت در تبرعات می‌توان به مواردی چون عبادت و تقرب به خداوند، حمایت از نیازمندان مسلمان، تضمین گردش مستمر اموال، تشویق به افزایش تبرعات و رضایت قلبی تبرع‌کننده اشاره کرد. این مقاصد ابعاد عبادی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و اخلاقی را در بر می‌گیرند.

کلیدواژگان: مقاصد تشریع، معاملات، عقود، تبرعات

۱. مقاصد التشریع الإسلامی المتعلقة بأحكام التبرعات (العدد الثانی والثلاثون، تاریخ الإصدار: ۲ - حزيران - 2021 م. - ISSN: 2663-5798 - www.ajsp.net).

۲. دانشجوی دکتری، رشته تخصصی فقه و اصول، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه قدس؛ (همسة فؤاد یوسف دراوشة، باحثة دکتوراہ فی تخصص الفقه وأصوله / کلیة الدراسات العليا / جامعة القدس).

۳. هماهنگ‌کننده برنامه دکتری فقه و اصول آن و رئیس گروه اقتصاد و مالیه اسلامی، دانشکده دعوت و اصول دین، دانشگاه قدس، فلسطین؛ (د. محمد مطلق محمد عساف منسق برنامج دکتوراہ الفقه وأصوله / رئیس قسم الاقتصاد والتمويل الإسلامی / کلیة الدعوة وأصول الدین / جامعة القدس / فلسطین).

۴. استادیار گروه اقتصاد پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. ایمیل: mostafakazemi@rihu.ac.ir

۵. دکتری علوم اقتصاد، کدر علمی جامعة المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل افغانستان. alinaqi56@gmail.com

۶. دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران. h_fayyaz@yahoo.com

مقدمه

حمد و سپاس از آن خداست، او را می‌ستاییم و از او یاری و آمرزش می‌جوییم، به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم و از شر نفس خود و بدی کردارمان به خدا پناه می‌بریم و درود و سلام می‌فرستیم بر پیامبری که به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث شد. اما بعد، شریعت اسلامی بر اصول استوار، قواعد محکم و مقاصد والا بنا شده، احکام آن متوازن جعل شده است. لذا همه فروع شریعت به آن قواعد و مقاصد باز می‌گردد. سپس مقاصد خاص مربوط به هر بابی از ابواب شریعت تشریح گردیده تا مقاصد عام را تبیین و تأیید نماید و آن‌ها را نقض نکند این امر بر انسجام و استحکام احکام شریعت افزوده است. لذا پژوهش در حوزه مقاصد خاص، اهمیتی کمتر از پژوهش در مقاصد عام ندارد.

این پژوهش با هدف تبیین یکی از ابواب مهم فقه، یعنی باب تبرعات، انجام شده است؛ بخشی که عرصه‌ای گسترده از نیکی، احسان و تقرب به خداوند متعال را در برمی‌گیرد و از طریق عقود تبرعی، به توسعه منابع جامعه اسلامی کمک می‌کند. ویژگی برجسته این پژوهش، تمرکز آن بر مفهوم تبرعات به عنوان واگذاری مال با اراده کامل و بدون دریافت عوض است. در این زمینه پرسش‌هایی مطرح می‌شود، از جمله: جایگاه مال در منظومه مقاصد شریعت چیست؟ مقصود دقیق از عقود تبرعات چیست؟ آیا شریعت برای این عقود مقاصد خاصی تعیین کرده است؟ و چه ابزارهایی را برای تحقق این مقاصد توصیه و تشویق کرده است؟ با توجه به خلأ موجود در پژوهش‌های مستقل و جامع درباره مقاصد اختصاصی عقود تبرعات، این تحقیق با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذکور و در راستای خدمت به علوم شرعی تدوین شده است.

انتخاب این موضوع از آن رو صورت گرفته است که اولاً، نیاز مبرمی به پژوهش‌های تخصصی در زمینه مقاصد خاص شریعت، به‌ویژه در باب معاملات و عقود تبرعات وجود دارد تا بتوان از این طریق به دین اسلام خدمت کرد و فضیلت و برتری نظام حقوقی و اخلاقی آن را آشکار ساخت؛ ثانیاً، با توجه به اهتمام روزافزون پژوهشگران به معاملات مالی معاصر، مطالعه یکی از ابواب آن از منظر مقاصدی، از نظر اقتصادی و فقهی، حائز اهمیت است؛ و ثالثاً، این پژوهش در پی آن است که رابطه میان مقاصد شریعت و اصول



فقه را تبیین کرده و تأثیر آن را بر فروع فقهی روشن سازد، چراکه پرداختن به این موضوع مستلزم بررسی عمیق در ابواب مهم و مرتبط فقه اسلامی است.

اهمیت این پژوهش از ارتباط نزدیک آن با موضوع مقاصد شریعت ناشی می شود؛ زیرا مقاصد نقش بنیادینی در فرایند اجتهاد ایفا می کند؛ به گونه ای که دستیابی به مرتبه اجتهاد، مستلزم درک عمیق مقاصد شریعت و توانایی استنباط احکام بر پایه آن است. همچنین اهمیت موضوع از اهدافی که این پژوهش در پی تحقق آن هاست، نیز نمایان می شود؛ از جمله ارائه، توثیق و ضابطه مند کردن مقاصد خاص تبرعات (فقهی-حقوقی) و تبیین این مقاصد به گونه ای که مجتهدان بتوانند در بررسی مسائل جزئی و نوپدید مربوط به تبرعات، آن ها را به کار گیرند. از نظر روش شناسی، پژوهش حاضر از روش توصیفی بهره می برد؛ اما در تحلیل داده ها از دو روش استقرایی و استنباطی نیز استفاده شده است؛ به این معنا که داده ها ابتدا از نصوص شریعت به صورت جزئی استقرا شده، سپس تحلیل، تفسیر، طبقه بندی و در نهایت، نتایج مورد نظر از آن ها استنباط شده اند. این پژوهش در چارچوب یک رویکرد فقهی-حقوقی طراحی و اجرا شده است.

در این پژوهش به رعایت امور زیر التزام وجود داشته است:

الف. ارجاع آیات قرآنی به مواضعشان در قرآن کریم، با ذکر نام سوره و شماره آیه؛
ب. اخراج احادیث نبوی شریف و آثار؛ اگر حدیث در صحیحین (بخاری و مسلم) یا یکی از آن دو روایت شده باشد، به تخریج از همان ها اکتفا می شود؛ اما اگر در آن ها نباشد، از کتب سنت و مصنفات تخریج شده، سپس نظر اهل علم و تخصص در مورد آن حدیث ذکر می شود (روش شناسی حدیثی)؛

ج. رجوع به منابع اصلی (دست اول) در بررسی مسائل مطرح شده در این پژوهش، مگر در صورت عدم امکان که در آن صورت مستندسازی با واسطه (از منبع ثانویه) انجام می شود.

د. بیان آرای مذاهب فقهی در مسائل، با اکتفا غالباً به مذاهب چهارگانه مشهور، با رعایت ترتیب زمانی ظهور این مذاهب (حنفی، سپس مالکی، سپس شافعی، سپس حنبلی). سپس این آرا و اقوال مورد مناقشه قرار گرفته و قولی که دلیل قوی آن را تأیید

می‌کند، ترجیح داده می‌شود (روش‌شناسی فقه مقارن)؛
 هـ. اعتماد به اقوال علما از کتب معتبر در هر مذهب؛
 و. اهتمام به تقویت پژوهش با نصوص شرعی از کتاب و سنت؛
 ز. شرح حال اعلام و بزرگانی که نامشان در متن پژوهش ذکر می‌شود، به جز خلفای
 راشدین چهارگانه.

پژوهش‌ها پیرامون موضوع عقود تبرعات، اندک است. این پژوهش‌ها با وجود این قلت،
 به بررسی یکی از عقود تبرعات به‌طور جداگانه پرداخته‌اند، مانند هبه، وقف و وصیت. این
 مطالعات غالباً به جنبه فقهی موضوع پرداخته و وارد جنبه مقاصدی نشده‌اند. شاید از جمله
 پژوهش‌هایی که به موضوع این تحقیق نزدیک است، موارد زیر باشد:

۱. «عقود التبرع فی الشریعة الإسلامية: أحكامها و مقاصدها»، تألیف یوسف نواسه،
 این رساله دکتری است که در دانشکده علوم اسلامی، دانشگاه الجزایر، در سال
 ۲۰۱۱، تدوین شده است. این پژوهش اگرچه پیرامون مقاصد تبرعات است، اما در
 احکام عقود تبرعات و بررسی مسائل آن به‌صورت مطالعه تطبیقی بسیار گسترده شده
 است؛ درحالی‌که پژوهش ما با پرداختن به جنبه مقاصدی و تمرکز بر مقاصد خاص
 عقود تبرعات متمایز می‌شود (تمایز در تمرکز: فقه تطبیقی در برابر مقاصد خاص).
۲. «مقاصد الشریعة الخاصة بالتبرعات و العمل الخیری»، تألیف عزالدین بن زغیبه،
 این پژوهشی به سومین کنفرانس امور خیریه خلیج [فارس]، در سال ۲۰۰۸ م، ارائه
 گردیده است. ایرادی این پژوهش، مختصر بودن آن و عدم تفصیل در ذکر مقاصد
 است؛ نویسنده تنها به ذکر مقاصد تبرعاتی که ابن عاشور در کتابش «مقاصد
 الشریعة الإسلامية» به آن‌ها پرداخته، اکتفا کرده است (تمایز در عمق و گستردگی
 بحث مقاصد).

۳. «نظام التبرعات فی الشریعة الإسلامية: دراسة تأصيلية عن الإحسان الاختیاری»،
 تألیف محمد الحبيب التجکانی، توسط دارالنشر المغربية، دارالبیضاء، در سال
 ۱۹۸۳ م. به چاپ رسیده است. این پژوهش از دو جنبه با تحقیق ما تفاوت دارد:

اول: مؤلف این کتاب همه انواع احسان مشروع را بررسی کرده است، اما پژوهش ما



سخن را به عقود تبرعات محض محدود کرده است (تمایز در دامنه موضوع: انواع احسان در برابر عقود تبرع محض).

دوم: این کتاب به جنبه فقهی اختصاص یافته و به جنبه مقاصدی نپرداخته است، اما در پژوهش ما تمرکز بر مقاصد عقود تبرعات بوده و به جزئیات جنبه فقهی، جز در برخی مسائل اندک، پرداخته نشده است (تمایز در تمرکز: فقهی در برابر مقاصدی).

۱. مفهوم مقاصد شریعت و اقسام آن

برای بررسی مقاصد احکام تبرعات، ناگزیر باید ابتدا مفهوم اصطلاح «مقاصد شرعیه» و اقسام آن را بیان کرد و سپس جایگاه مقاصد احکام تبرعات را مشخص نمود که آیا از مقاصد عام شریعت اسلامی محسوب می‌شود یا از مقاصد خاص؟ این امر از طریق مطالب پیش رو (زیر) انجام خواهد شد.

۱-۱. تعریف مقاصد

«مقاصد» در لغت جمع «مقصد» است. کلمه «قصد» و «مقصد» بر چندین معنا دلالت دارد، از جمله:

الف. طلب کردن عین یک چیز، توجه و حرکت به سوی آن. گفته می‌شود: قصدته، قصدت له، قصدت الیها (آن را قصد کردم، برای آن قصد کردم، به سوی آن قصد کردم) (الفیومی، بی تا: ۲، ۵۰۴).

ب. راستی و مستقیم بودن راه. «قَصَدَ یَقْصِدُ قَصْدًا فَهُوَ قَاصِدٌ» (قصد می‌کند، پس او قصد کننده است). خداوند متعال می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ» (و بر خداست نمایاندن راه راست) [نحل: ۹].

ج. نقطه مقابل افراط (زیاده‌روی) (الزبیدی، ۱۲۰۵: ۹، ۳۵). خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَقْصِدْ فِی مَشِیْکَ...؛ و در راه رفتنت میانه‌رو باش). [لقمان: ۱۹]

د. میانه بین دو طرف (حد وسط) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۳۵۳). شاهد کلام خداوند: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو و برخی از آنان به اذن خدا در کارهای نیک پیشگامند...)

[فاطر: ۳۲]. (کلمه «مُقْتَصِد» به معنای میانه‌رو است).

در اصطلاح، ملاحظه می‌شود که «مقاصد الشریعة» (مقاصد شریعت)، «مقاصد الشارع» (مقاصد شارع: قانون‌گذار) و «المقاصد الشرعیة» (مقاصد شرعی) همگی اصطلاحاتی هستند که به یک معنا به کار می‌روند (الریسونی، ۱۴۱۵: ۱۷۰). و همین معنا در این پژوهش مد نظر است.

ملاحظه می‌شود که معنای اصطلاحی با معانی لغوی کلمه «مقصد» مرتبط است؛ زیرا مقاصد شریعت شامل رسیدن به چیزی، توجه به آن و طلب آن است، (الیوبی، ۱۴۱۸: ۲۸) و دستیابی به آن‌ها همان راه مستقیم و حد وسط بین دو طرف افراط (زیاده‌روی) و تفریط (کوتاهی) است. البته علما از مقاصد شریعت تعاریف متعدد ارائه کرده است. در ادامه، تعاریف برجسته‌ترین کسانی که مقاصد شریعت را تعریف کرده‌اند، ذکر می‌شود:

اولاً: تعریف مقاصد نزد شاطبی^۱: شاطبی با وجود اینکه شیخ علم مقاصد و بنیانگذار این علم از نظر ترتیب و تنظیم به شمار می‌رود، مقاصد شرعی را در کتاب خود «الموافقات» تعریف نکرده است. شاید همانطور که برخی پژوهشگران ذکر کرده‌اند، او این اصطلاح را واضح و بی‌نیاز از توضیح می‌دانسته و لذا بر جنبه تأسیسی و قاعده‌سازی برای اصطلاح مقاصد تمرکز کرده است. به‌ویژه آنکه کتاب برای راسخان در علوم شریعت نوشته شده است (الشاطبی، ۱۴۱۸: ۱، ۱۲۴).

با این حال، شاطبی با این سخن به معنای مقاصد اشاره کرده است: «همانا شارع از تشریع، قصد برپایی مصالح اخروی و دنیوی را داشته است، به گونه‌ای که نظام آن‌ها نه به حسب کل و نه به حسب جزء، دچار اختلال نشود و در این امر فرقی بین ضروریات، حاجی‌ات یا تحسینیات نیست» (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۶۴).

برخی از پژوهشگران معاصر، از خلال سخنان شاطبی در کتابش، تعریفی برای مقاصد استخراج نمودند که به شرح زیر است: «مقاصد عبارت است از تمام معانی مصلحت‌آمیز

۱. الشاطبی: هو إبراهیم بن موسی بن محمد (ت: ۷۹۰ هـ). فقیه، أصولی، لغوی، مفسر، مالکی، من أهل غرناطة. من مؤلفاته: (الموافقات فی أصول الفقه)، و (المجالس)، و (الإفادات والإنشادات)، و (الاتفاق فی علم الشقاق). الزرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد (ت: ۱۳۹۶ ق)، العالم، ۷۵/۱، ط ۱۵، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۲ م. کحالة، عمر بن رضا بن محمد (ت: ۱۴۰۸ ق)، معجم المؤلفین، ۱/ ۱۱۸، مکتبة المثنی، بیروت، لبنان.



مورد نظر از تشریع احکام و معانی دلالی مورد نظر از خطاب شرع که بر تحقق امتثال مکلف نسبت به اوامر و نواهی شریعت مترتب می‌شود» (الحسنی، ۱۴۱۶: ۱۱۵). به عبارت دیگر مقاصد مورد نظر شارع معانی مصلحت آمیز است که با امتثال مکلف از اوامر و نواهی شریعت، محقق می‌شود.

ثانیاً: تعریف مقاصد نزد ابن عاشور:^۱ ابن عاشور ابتدا مقاصد شریعت را به مقاصد عام و مقاصد خاص تقسیم کرده و سپس هر قسم را جداگانه تعریف کرده است. وی مقاصد عام تشریع را چنین تعریف کرده است: معانی و حکمت‌هایی که شارع در تمام یا اکثر حالات تشریع آنها را در نظر گرفته است، به گونه‌ای که ملاحظه آن‌ها به بودن در نوع خاصی از احکام شریعت اختصاص ندارد (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۲۵۱). قید «عام» برای این آورده شده است که این مقاصد مورد توجه شریعت بوده و شریعت برای تحقق این مقاصد در تمام ابواب تشریع یا در بسیاری از آن‌ها تلاش می‌کند. از جمله مثال‌های آن می‌توان به حفظ نظام عمومی، جلب مصالح و دفع مفاسد و برقراری مساوات بین مردم اشاره کرد. اما مقاصد خاص نزد ابن عاشور عبارت است از کیفیت‌هایی که شارع برای تحقق مقاصد سودمند برای مردم، یا برای حفظ مصالح عمومی آنان در تصرفات خاصشان، در نظر گرفته است (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۱۵).

از جمله ملاحظات [در تعریف ابن عاشور از مقاصد خاص] این است که بخش اول تعریف، تنها به مقاصد خاص شریعت اختصاص ندارد، بلکه مقاصد عام را نیز شامل می‌شود. ایراد دیگر بر این تعریف این است که ابن عاشور از لفظ «الکیفیات» (کیفیت‌ها: چگونگی‌ها) استفاده کرده است؛ اگر آن را با تعبیر دیگری جایگزین می‌کرد، دقیق‌تر و بهتر بود (الیوبی، ۱۴۱۸: ۳۵).

ثالثاً: تعریف مقاصد نزد فاسی:^۲ «[مقاصد شریعت] غایت، هدف نهایی و اسراری

۱. ابن عاشور: هو محمد الطاهر بن عاشور (۱۲۹۶-۱۳۹۳-ق)، رئیس المفتین المالکین بتونس. ولد وتوفی ودرس فی تونس. وهو من أعضاء المجمعین العربیین فی دمشق والقاهرة. له مصنفاً مطبوعة من أشهرها: (مقاصد الشریعة الإسلامية)، و (أصول النظام الاجتماعی فی الإسلام)، و (التحریر و التنویر). الزرکلی، الأعلام، ۱۷۴/۶-۱۷۵.

۲. الفاسی: هو علاء بن عبد الواحد بن عبد السلام الفاسی، ولد بفاس سنة ۱۳۲۶ ق، ۱۹۰۸ م. من كبار الخطباء فی المغرب، وهو زعيم وطنی، كان معارضاً لسلطات الاستعمار الفرنسی. تولى وزارة الدولة للشؤون الإسلامية. من كتبه: (مقاصد الشریعة الإسلامية ومکارمها)، و (دفاع عن الشریعة)، و (النقد الذاتى). توفى سنة ۱۳۹۴ ق، ۱۹۷۴ م. الزرکلی، الأعلام، ۲۴۶/۴-۲۴۷.

هستند که شارع در هر حکمی از احکام قرار داده است» (الفاسی، ۱۹۹۳: ۷).
این تعریفی جامع است؛ (الیوبی، ۱۴۱۸: ۳۶) زیرا شامل مقاصد عام و خاص می‌شود.
با عبارت «الغایة منها» - یعنی غایت شریعت - به مقاصد عام اشاره دارد و با عبارت
«والأسرار التي وضعها» به مقاصد خاص اشاره می‌کند.

رابعاً: تعریف مقاصد نزد ریسونی:^۱ ریسونی بر اساس تعاریف پیشین و توضیحات
علمایی که در موضوع مقاصد شریعت سخن گفته‌اند، برای مقاصد شریعت تعریف زیر
(پیش‌رو) را ذکر کرده است: «مقاصد شریعت، غایت‌هایی هستند که شریعت برای تحقق
آن‌ها به منظور تأمین مصلحت بندگان وضع شده است» (الریسونی، ۱۴۱۵: ۱۹).

این تعریف ایرادش این است که فقط «مقاصد عام (تحقق مصالح بندگان)» را تعریف
کرده است ولی در تعریف خود به مقاصد خاص تصریح نکرده است.

از تعاریف علمای فوق‌الذکر چنین برمی‌آید که الفاظ آن‌ها به هم نزدیک و معانی‌شان
سازگار و مشابه است؛ زیرا ماده و اساس آن‌ها یکی است و مقصود تقریباً یکی است؛ اما
(خانم) پژوهشگر بر این باور است که تعریف فاسی از مقاصد شریعت، تعریفی جامع بوده
و شامل همه انواع مقاصد است.

۲-۱. اقسام مقاصد شرعی

مقاصد شرعیه با توجه به شمول و گستردگی‌شان به مقاصد عام و کلی که در مجموع
احکام شریعت یافت می‌شوند و مقاصد خاص و جزئی که در برخی ابواب شریعت یا در
برخی احکام آن معتبر هستند، تقسیم می‌شوند. بنابراین، مقاصد شریعت به دو قسم تقسیم
می‌شوند: مقاصد عام و مقاصد خاص، به شرح زیر:

۱-۲-۱. مقاصد عام

مقاصد عام عبارتند از حکمت‌ها و غایات کلی که شارع در بیشتر تشریعات خود در نظر
گرفته است، به گونه‌ای که به باب خاصی از ابواب فقه یا نوع معینی از احکام اختصاص

۱. الریسونی: هو أحمد الریسونی، ولد سنة ۱۳۷۲ ق، ۱۹۵۳ م. بمدينة القصر الكبير، شمال المغرب. عمل عدة سنوات بوزارة العدل، وعمل بالتعليم الثانوي أيضاً. من مؤلفاته: (نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي)، و (نظرية التقريب والتغليب وتطبيقاتها في العلوم الإسلامية)، و (مدخل إلى مقاصد الشريعة). الریسونی، نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي، الترجمة موجودة قبل مقدمة الكتاب.



ندارند. از جمله مقاصد عامی که در شریعت اسلامی لحاظ شده است: غایت کلی از تشریع عبادات، عادات، معاملات و مانند آن هاست.

همچنین، از مقاصد عام در شریعت اسلامی، «ضروریات پنج گانه» است که مقصد «حفظ مال» یکی از آن هاست (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۱۸). بنابراین حفظ مال یک مقصد عام است که در بیشتر ابواب فقه معتبر شمرده می شود.

۲_۲_۱. مقاصد خاص

علمای متقدم مقاصد خاص را تعریف نکرده اند، هرچند در فتاوا و اجتهاداتشان دیده می شوند. اولین کسی که به مقاصد خاص اشاره کرده، عز بن عبدالسلام است.^۱ او صراحتاً به مقاصد خاص اشاره کرده و می گوید: «بدان که خداوند متعال در هر تصرفی از تصرفات، چیزی را تشریع کرده که مقاصد آن را حاصل و مصالحش را فراهم کند. پس در [هر] باب آنچه مصالح عام و خاص را تأمین کرده و محقق می سازد، آن را تشریع نموده است. اگر مصلحتی شامل همه تصرفات باشد، آن مصلحت در همه تصرفات تشریع می شود و اگر به برخی تصرفات اختصاص داشته باشد، در همان موارد خاص تشریع می شود نه در غیر آن. گاهی در برخی ابواب شرطی، لازم و ضروری است که همان شرط در باب دیگری، باطل کننده است و این به دلیل در نظر گرفتن مصلحت هر دو باب است» (العزبن عبد السلام، ۱۴۱۴: ۲، ۱۴۳).

ابن عاشور بخشی مستقلی را به مقاصد خاص اختصاص داد و به تعریف و توجه آن پرداخت. او مقاصد خاص را چنین تعریف کرد: «[مقاصد خاص] کیفیت هایی هستند که شارع برای تحقق مقاصد سودمند مردم، یا برای حفظ مصالح عمومی آنان در تصرفات خاصشان در نظر گرفته است تا مبدا تلاشتان در پی مصالح خاص خودشان، به باطل کردن آنچه برایشان جهت تحصیل مصالح عمومی شان بنیان نهاده شده، منجر نشود؛ خواه

۱. العزبن عبد السلام: هو عبد العزيز بن أبي القاسم (۵۷۷-۶۶۰ ق)، الملقب بـ (سلطان العلماء). وهو فقيه، وأصولي، بلغ رتبة الاجتهاد. ولد ونشأ في دمشق. وهو تلميذ الشيخ فخر الدين ابن عساكر. ومن تلامذته وأحد من روى عنه: ابن دقيق العيد. له مؤلفات كثيرة منها: (القواعد الكبرى) المعروف بـ (قواعد الأحكام في مصالح الأنام)، و (القواعد الصغرى)، و (تفسير القرآن). السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقى الدين (ت: ۷۷۱ ق) طبقات الشافعية الكبرى، ۲۰۹/۸، نج: محمود الطناحي وعبد الفتاح الحلو، ط ۲، هجر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۳ ق. الزركلي، الأعلام، ۲۱/۴.

این ابطال از روی غفلت باشد یا از روی لغزیدن به دنبال هوا و هوس و شهوت باطل» (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۱۵).

مقاصد ابواب فقهی مانند مقاصد طهارت، مقاصد نکاح، مقاصد بیوع (خرید و فروش)، مقاصد تبرعات و مانند آن، ذیل این قسم قرار می‌گیرند. بدین ترتیب روشن می‌شود که مطالعه موضوع این پژوهش، پیرامون مقاصد خاص در احکام تبرعات خواهد بود.

۲. مفهوم مال و جایگاه آن در میان مقاصد شریعت

در مبحث پیشین مشخص شد که موضوع پژوهش به مقاصد شریعت خاص بازمی‌گردد که از طریق تصرفات خاص بندگان، به مصالح عمومی آن‌ها مربوط می‌شود. برای به دست آوردن ثمره عملی از مطالعه مقاصد شریعت با توجه به نقش آن در حکم کردن بر معاملات مالی، در این مبحث به مفهوم «مال» در فقه اسلامی و جایگاه مال در میان مقاصد شرعی پرداخته خواهد شد. این امر به عنوان مقدمه‌ای برای مطالعه موضوع این پژوهش؛ یعنی مقاصد احکام تبرعات و بیان مجموعه مقاصد و غایاتی است که شارع حکیم در تشریع تبرعات در نظر گرفته است.

۱-۲. مفهوم مال در فقه اسلامی

«مال» در لغت به هر آنچه از اشیای که قابلیت تملک (مالک شدن) را داشته باشد، مال گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱، ۶۳۵). «مَالُ الرَّجُلِ يُمُولُ وَيَمَالُ مَوْلًا» یعنی صاحب مال شد و «مَلَّتَهُ» یعنی به او مال دادم (الرازی، ۱۴۲۰: ۳۰۱).

اما علما در تعریف اصطلاحی «مال» اختلاف نظر دارند. برخی مانند جمهور فقها از مالکيه (ابن العربی، ۱۹۹۲: ۹۰۸ و شاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۳۲)، شافعیه (السیوطی، ۱۴۱۱: ۳۲۷) و حنابله (ابن نجیم، بی‌تا: ۵، ۲۷۷ و ابن قدامه، ۱۴۲۱: ۱۵۲) تعریف مال را گسترش داده به گونه‌ای که شامل اعیان (اشیاء مادی) و منافع (بهره‌ها و استفاده‌ها) به طور یکسان، می‌شود.

برخی دیگر مانند حنفیه، (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۴، ۵۰۱). تعریف مال را محدود کرده و آن را منحصر به اعیان دانسته‌اند. با این حال، تعریف جمهور صحیح‌تر و دقیق‌تر است؛



زیرا مقاصد شریعت از اموال را بهتر و مناسب تر تحقق می بخشد و ارتباط و کاربرد بیشتری با مصلحت عملی دارد و برای حفظ حقوق صاحبان اموال مناسب تر است (ابن غیبه، ۱۴۲۲، ۴۲).

از تعاریف معاصر و دقیق برای مال این است: «هر چیزی که بین مردم ارزش مادی داشته باشد، مصالحشان با آن تأمین شود و شرعاً تملک و بهره برداری از آن با گستردگی و اختیار جایز باشد» (ابن زغیبه، ۱۴۲۲، ۳۴).

از خلال این تعریف، نکات زیر آشکار می شود: الف. مال شامل اعیان، منافع و تمام حقوق معنوی است که ارزش مادی دارند. ب. مال معتبر در شرع، آن چیزی است که در شرع ارزش ذاتی داشته باشد (مانند چیزهایی که حرام نیستند). ج. مال آن چیزی است که بین مردم ارزش مادی دارد و مصالحشان با آن تأمین می شود.

۲_۲. جایگاه مال در میان مقاصد شریعت

۲_۲_۱. جایگاه مال در شریعت اسلامی

مال جایگاه بزرگی در زندگی افراد و جامعه دارد. از نظر اسلام، مال وسیله ای مهم برای تحقق مقاصد شرعی (دنیوی و اخروی) است و زندگی بدون آن ممکن نیست. با مال می توان خوراک، پوشاک و مسکن فراهم کرد و بنده با آن نفس خود را ترکیه می کند (زکات می دهد)، صدقه می دهد، برده آزاد می کند و در کارهای خیر مشارکت می نماید (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۴). نصوص بسیاری در قرآن کریم آمده که اهمیت آن را بیان می کند؛ خداوند متعال در تعدادی از آیات، مال را در کنار جان و فرزند ذکر کرده است. مانند این سخن خداوند متعال:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ برای مردم، عشق به خواستنی ها [ی مادی]، از [جمله] زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبان نشان دار و دام ها و کشتزارها آراسته شده است؛ [اما] این ها کالای زندگی دنیاست (آل عمران: ۱۴).

خداوند سبحان در تعدادی از آیات، مال را به عنوان «خیر» (نیکی، خوبی) توصیف کرده است، از جمله این سخن خداوند متعال: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ و راستی او

[انسان] سخت‌شيفته مال [خير] است» (العاديات: ۸).

و این سخن خداوند متعال: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی [خير] که انفاق می‌کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درراه‌ماندگان اختصاص دهید و هر کار نیکی [خير] انجام دهید، قطعاً خدا از آن آگاه است (البقرة: ۲۱۵).

همچنین قرآن کریم، مال و گشایش در روزی را از پاداش فوری خداوند متعال در دنیا و پاداش آتی در آخرت برای بندگان صالح خود دانسته است. خداوند سبحان از زبان نوح (می‌فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ پس گفتیم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است [تا] بر شما از آسمان باران پی‌درپی فرستد و شما را با اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد»). (نوح: ۱۰-۱۲)

و خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، به او روزی می‌رساند» (الطلاق: ۲-۳).

احادیث پیامبر (ص) نیز این معانی را تأکید می‌کنند. از دعا‌های مأثور پیامبر (ص) این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى؛ خداوندا! من از تو هدایت، تقوا، پاکدامنی و بی‌نیازی [غنا] را می‌طلبم» (النیسابوری، بی‌تا: ۴، ۲۰۸۷).

پیامبر (برای خادم خود، انس بن مالک (رض)^۱، دعا کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ فِيمَا أَعْطَيْتَهُ؛ خداوندا، مال و فرزندش را زیاد کن و در آنچه به او عطا

۱. انس بن مالک: هو الصحابي أنس بن مالك بن النضر، خادم رسول الله صلى الله عليه وسلم. كان يكنى أبا حمزة. اختلف في سنة وفاته، وقيل سنة ۹۱ ق. وهو من المكثرين في الرواية عن رسول الله صلى الله عليه وسلم. دعا له الرسول صلى الله عليه وسلم بكثرة المال والولد. وهو آخر من توفي بالبصرة من الصحابة، ودفن هناك. ابن الأثير، على بن أبي الكرم محمد بن محمد (ت: ۶۳۰ ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ۲۹۴/۱، تح: على معوض وعادل عبد الموجود، ط ۱، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ ق، ۱۹۹۴ م. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد (ت: ۸۵۲ ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، ۲۷۵/۱-۲۷۷ ق: عادل عبد الموجود وعلي معوض، ط ۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ ق.



کرده‌ای، برکت بده» (البخاری، بی تا: ۸، ۸۱؛ مسلم، بی تا: ۴، ۱۹۲۸).

در سنت نبوی بیان شده است که مال زمانی نعمت است که در دست صالحان باشد که هدف و کارکرد مال را می‌شناسند (حسین، ۱۴۳۱: ۹۴). در این باره پیامبر (ص) می‌فرماید: «لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْكِتَابَ، وَقَامَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ، وَرَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يَتَصَدَّقُ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ حَسَدٌ [در اینجا به معنای غبطه و آرزوی داشتن نعمتی مشابه است، نه آرزوی زوال نعمت دیگری] جز بر دو کس روا نیست: مردی که خداوند به او کتاب [قرآن] داده و او در ساعات شب به [تلاوت و عمل به] آن می‌پردازد و مردی که خداوند به او مالی داده و او آن را در ساعات شب و روز صدقه می‌دهد» (البخاری، بی تا: ۶، ۱۹۱؛ مسلم، ۱: ۵۵۹).

۲_۲_۲. مقصد حفظ مال

با توجه به اهمیتی که مال در شریعت اسلامی دارد، دستورات و توصیه‌های قرآنی و نبوی بسیاری برای حفظ و صیانت از آن ارائه شده است (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۸). شریعت اسلام «حفظ مال» را به عنوان یکی از «ضروریات پنج‌گانه» (کلیات خمس) قرار داده است؛ اصولی که تمامی احکام و تکالیف شرعی در جهت تأمین و حمایت از آن‌ها تدوین شده‌اند. خداوند متعال فرمان به حفظ این کلیات داده است، چراکه در حفظ آن‌ها مصالح بندگان تأمین می‌شود و در نابودی‌شان، مفاسد گسترده‌ای متوجه فرد و جامعه خواهد شد (غزالی، ۱۴۱۳: ۱۷۴). حفظ مال، از جمله مقاصد ضروری دین است که برپایی مصالح دینی و دنیوی بدون آن ممکن نیست، به گونه‌ای که اگر این اصل نادیده گرفته شود، نظام معیشتی و اجتماعی انسان‌ها مختل خواهد شد. تحقق این مقصد شرعی از دو طریق امکان‌پذیر است:

۱. رعایت آن از جنبه وجود؛ یعنی از طریق تشویق به اسباب و وسایلی که ارکان این مقصد را حفظ و برپا می‌دارد.

۲. رعایت آن از جنبه عدم (پیشگیری)؛ یعنی از طریق دفع اختلال واقعی یا مورد انتظار در آن (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۱۷-۱۸).

نمونه‌های حفظ مال از جنبه وجود:

تشویق شریعت به کسب حلال. شریعت، کار و تلاش برای به دست آوردن اموال را

مباح دانسته است. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ؛ و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید». [الجمعة: ۱۰]

به رسمیت شناختن حق انسان در سرمایه‌گذاری مال از طریق کار کردن با مال، به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ؛ و دیگرانی که در زمین سفر می‌کنند [و] فضل خدا را می‌جویند». [المزمل: ۲۰]

از وسایل مشروعی که شرع برای سرمایه‌گذاری مباح کرده است می‌توان به کشاورزی، صنعت، تجارت و سایر موارد اشاره کرد (حسین، ۱۴۳۱: ۱۸۱).

نمونه‌های حفظ مال از جنبه عدم (پیشگیری):

۱. حمایت از مال به طرق گوناگون؛ شریعت از دزدی نهی کرده و مجازات دزدی یعنی «حد قطع» (بریدن دست) را وضع نموده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا؛ و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند، دستشان را ببرید». [المائدة: ۳۸]

۲. تحریم بهره‌کشی از مردم و نهی از خوردن اموال مردم به ناحق (باطل)، به دلیل فرموده خداوند متعال: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آنکه داد و ستدی با رضایت متقابل از شما [انجام گرفته] باشد». [النساء: ۲۹]

این [خوردن مال به باطل] یا از طریق گرفتن آن به ظلم، دزدی، خیانت، غصب و مانند آن است، یا از طریق راه‌های ممنوع مانند قمار، ربا، اجرت خوانندگی، وسایل لهو و لعب و آنچه جایز نیست، می‌باشد، حتی اگر با رضایت خاطر صاحب مال باشد (الجصاص، ۱۴۰۵: ۳، ۱۲۷).

۳. تحریم برخی از انواع بیع (خرید و فروش)؛ مانند نهی از «غرر» (معامله نامعلوم و پرریسک)، «غش» (فریب) و «احتکار». این به منظور حفظ مال و دفع ضرر از مسلمانان است؛ پیامبر از «بیع حصة» (معامله شانس با پرتاب سنگریزه) و از «بیع غرر» نهی فرمود، (مسلم، بی تا: ۳، ۱۱۵۳) و از احتکار، چرا که در حدیث آمده است: «مَنْ احْتَكَرَ



طَعَامًا فَهُوَ خَاطِيٌّ» (مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۲۸). و «خاطی» به معنای گناهکار و مقصر است. علت این نهی، کم کردن کالا در بازار مسلمین است. پس حکمت این نهی، دفع ضرر از اموال و منافع مردم است (النووی، ۱۳۹۲، ۴۳: ۱۱).

۳. مفهوم تبرعات و مقاصد احکام آن

۱-۳. مقصود از تبرعات

«تَبَرَّع» در لغت به معنای داوطلبانه انجام دادن کاری است، بدون آنکه واجب باشد. همچنین به معنای برتری جستن و فضل و بخشش نیز به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱، ۲۲۱). گفته می‌شود: «تَبَرَّعَ بِالْأَمْرِ»؛ یعنی آن کار را بدون مطالبه عوض، انجام داد، (الفیومی، بی تا: ۱، ۴۴) و بدون درخواست یا [شاید] انتظار لطف متقابل [انجام داد]. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸، ۸)

اما در اصطلاح، علمای متقدم هریک از نواع عقود تبرعاتی را به صورت جداگانه تعریف می‌کردند، مانند تعریف هدیه، وصیت و امثال آن. برخی معاصران تعریفی کلی برای تبرعات ذکر کرده‌اند که از جمله آن‌هاست:

الف. تملیک کردن مال بدون عوض (حماد، ۱۴۲۹: ۱۲۷). این تعریف جامع و مانع نیست؛ زیرا شامل نفقات واجب (مانند نفقه همسر و فرزند) و کفارات نیز می‌شود (نواسه، ۲۰۱۱: ۳۴).

ب. انسان عین یا منفعتی را برای بهره‌برداری، بدون مقابل (عوض) به دیگران تملیک کند (معصر، ۱۴۲۸: ۳۹). بر این تعریف نیز همان انتقادات پیشین وارد است.

ج. تبرع این است که مکلف، مال یا منفعتی را در حال حاضر یا در آینده، بدون عوض و معمولاً به قصد نیکی و احسان مرسوم به دیگران ببخشد (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۶: ۱۰، ۶۵). این تعریف، بهترین و سالم‌ترین تعریف بوده و ایرادات و انتقادات قبلی بر آن وارد نیست.

۲-۳. انواع تبرعات و تعیین محدوده پژوهش

تبرعات به سه نوع تقسیم می‌شود، به شرح زیر:



۱. تبرعاتی که از ابتدا تا انتها مقصود و هدف است. مثل هبه (بخشش)، صدقه، وصیت، وقف و عاریه (امانت دادن برای استفاده) است.

۲. تبرعاتی که در ضمن یک عقد معاوضه (قرارداد دارای عوض) انجام می‌شود. مانند فروش کالا به قیمتی کمتر از ارزش واقعی برای نفع رساندن به خریدار، یا خرید کالا به قیمتی بیش از ارزش واقعی به قصد نفع رساندن به فروشنده.

۳. تبرعاتی ممکن است در نهایت به معاوضه تبدیل شود. ممکن است فعلی در ابتدای عقد تبرعی باشد، مانند عقد قرض، سپس طرف دیگر ملزم به پرداخت بدل (جایگزین یا معادل) آن شود (حماد، ۱۴۲۹: ۳۲۸ و نواسه، ۲۰۱۱: ۳۴).

در این پژوهش، پژوهشگران تبرعات نوع اول را بررسی می‌کنند؛ یعنی تبرعاتی که از نوع تبرع محض است، به واسطه عقد واقع می‌شود و مقصود از آن‌ها تملیک (واگذاری مالکیت) و بی‌نیاز کردن (طرف مقابل) است، مانند هبه، وقف، قرض، وصیت، صدقه و کفالت.

[در این پژوهش] مقصود از عقود تبرعاتی که هدف بررسی مقاصد احکام آن‌هاست، قراردادهایی است که بر اساس بخشش یا کمک از سوی یکی از طرفین به دیگران استوار است، (الزرقا، ۱۴۲۵: ۱، ۶۴۰) یا قراردادهایی که در آن‌ها تملیک بدون مقابل (عوض) صورت می‌گیرد (بدران، بی‌تا: ۴۹۱).

آنچه از این تعاریف برمی‌آید، این است که تبرعات جایی محقق می‌شود که عوض و مقابلی وجود ندارد. یک طرف، تبرع‌کننده (متبرع) است و یک طرف، گیرنده (آخذ). این همان تفاوت بین عقود تبرعات و عقود معاوضات است. هر دو نوع عقد، افاده تملیک می‌کند؛ اما عقود معاوضات شامل تملیک هر دو عوض (بدلین) است، درحالی که عقود تبرعات شامل تملیک آنچه تبرع‌کننده بخشیده است، بدون آنکه عوضی در مقابل آن دریافت کند، می‌باشد (بدران، بی‌تا: ۴۹۱).

۳-۳. مقاصد احکام تبرعات

از نظر شریعت اسلامی، تمام ابواب فقه، از جمله باب معاملات مالی، دارای مقاصد



خاصی است. شریعت، مقاصد خاص را به عنوان مکمل در خدمت مقاصد عام قرار داده است. لذا همه اخلاصها در مقاصد خاص، اخلاص در مقاصد عام آن باب به حساب می آید. برای حفظ این هماهنگی عمومی بین مقاصد خاص و عام، بر مجتهد لازم است که اجتهادات خود را به مقاصد خاص مربوط به عقود تبرعی پیوند دهد. به همین دلیل، پژوهشگران مقاصد خاص احکام عقود تبرعات را عرضه می کنند تا حکم کردن بر وقایع و مسائل نوپدید آسان گردد و هماهنگی کلی بین احکام شریعت حاصل شود تا مردم دچار سختی و تنگنا نشوند. از جمله این مقاصد موارد زیر است:

۱-۳-۳. مقصد عبادت خداوند متعال و تقرب به او:

خداوند عزوجل در کتاب حکیم خود می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند». [الذاریات: ۵۶]

پس مقصد از خلقت انسان، عبادت است (مقصد عالی). عبادت، غایتی است که خداوند ما را برای اقرار به آن - خواه از روی میل یا اکراه - آفریده است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۲، ۴۴۴). و عقود تبرعاتی (وقف، هبه، هدیه) برای تحقق این مقصد تشریع گردیده است. این عقود تبرعی تشریع نشده مگر به عنوان راهی برای پرستش خداوند و تقرب به او. اگر این مقصد نبود، مردم در انجام این عقود با یکدیگر رقابت نمی کردند؛ زیرا انسان فطرتاً بر حب مال و تملک آفریده شده است. پس آنچه را در دست دارد، رها نمی کند مگر در مقابل عوضی (نواصة، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

به همین دلیل، شریعت اسلامی رشد و تقویت این فطرت، انسانها را مکرراً به تبرع تشویق و ترغیب کرده است. آیات قرآنی فراوان و احادیث نبوی متعددی، اثر عقود تبرعاتی بر تبرع کننده (متبرع) را بیان می کند. از جمله: اجر عظیم، ثواب فراوان، رضایت خداوند رحمان و پوشاندن گناهان، (رضا، ۱۹۹۰: ۱۱، ۲۶). از اثرات مثبت عقود تبرعی است؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت ميفکنید». [البقرة: ۱۹۵] «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ؛ اگر به خدا وامی نیکو دهید، آن را برای شما چند برابر می کند و شما را می آمرزد». [التغابن: ۱۷]

و از جمله احادیثی که به عقود تبرعی (وقف و احباس) تشویق می‌کنند و ما را به ثواب، اجر و دوام عمل و عبادت حتی پس از مرگ ترغیب می‌نماید، حدیثی است که از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند:

«إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ؛ هنگامی که انسان می‌میرد، عملش از او قطع می‌شود مگر از سه چیز: مگر از صدقه جاریه، یا علمی که از آن بهره برده شود، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند» (مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۵۵).

پس اگر این ترغیب و تشویق خداوند سبحان به انجام نیکی نبود، کسی یافت نمی‌شد که مالش را ببخشد، یا عاریه بدهد، یا وصیت کند، یا وقف و حبس نماید، یا قرض دهد، یا صدقه دهد، یا دیگر کارهای خیر و نیکی را به صورت تبرعی و بدون مطالبه عوض انجام دهد (نواسه، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

۲-۳-۳. برپایی مصلحت ضعیفان مسلمان

از مقاصد شریعت در تبرعات و کارهای نیک، رسیدگی به مصالح ضعیفان مسلمان و برآوردن نیازهای آنان است (ابن زغیبه؛ ۲۰۰۸: ۵). این مقصد (مقصد متوسط) محقق نمی‌شود مگر آنکه تبرع به صورت دائمی و عمومی باشد. قرآن کریم به این اصل بزرگ اشاره کرده است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «از مازاد [بر نیاز خود]». [البقرة: ۲۱۹]

ابن عاشور این آیه را چنین تفسیر کرده است: «از آنچه از مالش اضافه آمده بر آنان انفاق می‌کند. این امر به انفاقی است که بر آنان سخت نباشد و این بهترین نوع انفاق است؛ زیرا مقصد شریعت از انفاق، برپایی مصالح مسلمانان ضعیف است و مقدار قابل توجهی از آن حاصل نمی‌شود، مگر با عمومی کردن و استمرار بخشیدن به آن تا مقادیر مشابهی از آن در همه اوقات ادامه یابد و همگانی شدن و استمرار، تنها با انفاق از مازاد بر نیازهای انفاق‌کنندگان حاصل می‌شود، آنگاه بر آنان دشوار نخواهد بود، پس هیچ‌یک از ایشان آن را ترک نمی‌کند و در هیچ زمانی از آن غفلت نمی‌ورزند و این حکمتی بزرگ و اصلی اقتصادی و عمرانی (اجتماعی) است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲، ۳۵۱).



نظام تبرعات، اقشار ضعیف این امت (جامعه = فقرا، بیوه‌زنان و زنان مطلقه) را حفظ می‌کند و این از طریق زندگی کریمانه و آبرومندانه برای آنان فراهم می‌گردد (الیوسف، ۲۰۰۷: ۸۷). زبیر بن عوام،^۱ اولین کسی است که وقفی را به نفع بیوه‌زنان و زنان مطلقه از دخترانش ایجاد کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۵، ۴۰۷).

اهمیت عقود تبرعات در تحقق اصل تکافل اجتماعی (همبستگی اجتماعی) آشکار می‌شود. هر عقد تبرعی نقش بزرگی در تقویت پیوندها بین افراد این امت دارد. به عنوان مثال وقف به طور چشمگیری در تکافل اجتماعی از طریق توسعه اجتماعی نقش داشته است؛ زیرا وقف به ایجاد مؤسسات انسانی کمک کرده که هدفشان رسیدگی به فقرا، کودکان بی سرپرست (لقطاء = گمشدگان)، افراد دارای نیازهای ویژه، بیماران، یتیمان و دیگر ضعیفان جامعه می‌اشد (نواसे، ۲۰۱۱: ۲۸۲).

۳-۳-۳. استمرار بخشیدن به استفاده از مال برای طولانی‌ترین مدت

ابن عاشور ذکر کرده است که یکی از مقاصد شرعی در مورد اموال، «رواج» (گردش) آن است و مقصود آن است که مال در دست‌های بیشتر مردم (در صورت امکان) به صورت مشروع، چرخش یابد. به همین دلیل، عقود معاملات برای انتقال حقوق مالی از طریق معاوضه یا تبرع تشریع شده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۶۴). جعل احکام مالی به گونه‌ای که گردش طولانی مدت آن اموال حمایت و تضمین گردد، از حکمت شارع حکیم است. لذا شارع مقدس زکات را [به صورت طولانی مدت جعل نمود] و رکنی از ارکان اسلام قرار داد تا مال منتشر و حرکت آن تسهیل گردد.

همچنین ربا را [به صورت طولانی مدت ممنوع] و حرام کرد و آن را از گناهان کبیره قرار داد تا از «اکتناز» (گنج‌اندوزی و احتکار) مال و متوقف شدن سرمایه‌گذاری جلوگیری کند (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۳۵). در این جعل احکام، اشاره‌ای است به اینکه رویکرد شریعت اسلامی در مورد مال، تداول و گردش همگانی آن بین مردم است تا همگان از آن بهره‌مند شوند و گردش آن تنها بین ثروتمندان محدود نشود (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۸۴).

۱. الزبیر بن العوام: هو الصحابی الجلیل، وهو أحد العشرة المبشرين بالجنة. أمه صفیة بنت عبد المطلب، وهو ابن عمه رسول الله (ﷺ)، أسلم وهو ابن خمس عشرة سنة، وشهد فتح مصر. وقتل سنة ست وثلاثين. ابن الأثير، أسد الغابة، ۳۰۷/۲.

بدین منظور، شارع مقدس برای مساعدت تداول (گردش) طولانی مدت اموال در دست همگان، احکام و وسایل متعددی را تشریع کرده است، از جمله:

الف. تشویق به صدقه، قرض و عموم احسان: به منظور استمرار گردش اموال، استفاده طولانی مدت و عدم انباشته شدن آن، این تشویق صورت گرفته تا مال نقش خود را در پوشش نیازهای مسلمانان ایفا کند (التجکانی، ۱۴۰۳: ۱۱۱). پس هرگاه انسان متوجه شود که مالی مازاد بر نیازش دارد، به صدقه دادن آن بشتابد تا در معرض گنج‌اندوزی و افتادن در گناه قرار نگیرد، به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تُفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ؛ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را با آن‌ها داغ کنند [و گویند]: این است آنچه برای خود اندوختید، پس کیفر آنچه را می‌اندوختید، بچشید». [توبه: ۳۴-۳۵]

ب. تشریع وصیت و ارث: این‌ها از وسایل گردش مال و توزیع مجدد ثروت هستند؛ تا به عنوان مجرای باشند که حرکت مال بین مردم را تجدید کنند (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۳۹).

ج. وقف: عقد تبرعی وقف با هدف تبدیل سرمایه‌ها از گنج‌های راکد به اموال سرمایه‌گذاری شده و مورد استفاده در توسعه جامعه مسلمان، تشریع شده است. از عمر بن خطاب روایت شده که او زمینی در خیبر به دست آورد. نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: زمینی به دست آورده‌ام که هرگز مالی با ارزش‌تر از آن به دست نیاورده‌ام، در مورد آن چه دستوری می‌دهید؟ فرمود: «اگر خواستی، اصل آن را حبس کن (وقف کن) و [منافع] آن را صدقه بده». پس عمر آن را صدقه داد [با این شرط] که اصل آن فروخته نشود و بخشیده نشود و به ارث نرسد، [و منافع آن صرف فقر، خویشاوندان، آزادی بردگان، [مصارف] در راه خدا، مهمان و در راه‌ماندگان شود (البخاری، بی‌تا: ۴، ۱۲).

از آنچه گذشت آشکار می‌شود که هر عقد تبرعی در حقیقت، انتقال مالکیت بخشی از مال شخصی به شخص دیگر یا گروهی از اشخاص است. این همان گردش مقصود



از مال است و برتری عقود تبرعات بر عقود معاوضات در این ظاهر می‌شود که در نوع اول (تبرعات)، مال به صورت گردش عمودی به جریان می‌افتد؛ زیرا این عقود با نیکی، احسان و یاری رساندن به طبقات ضعیف از نظر مالی و مادی در جامعه مسلمان مشخص می‌شود. لذا غالباً از غنی به فقیر صورت می‌گیرد (نواسه، ۲۰۱۱: ۲۹۱).

۴_۳_۳. افزایش دادن تبرعات

مقاصد تبرعاتی که پیشتر ذکر شد، به احکام آن‌ها و آنچه از جنبه تعبدی، اجتماعی یا اقتصادی از آن‌ها قصد می‌شود، مربوط بود؛ اما این مقصد و مقصد بعدی، به ذات عقود تبرعات و مقصد تشریع آن‌ها مربوط می‌شوند. پژوهشگر درمی‌یابد که قصد و غرض شارع از تشریع عقود تبرعی رسیدگی به مصالح عام و خاصی است که این عقود می‌تواند آن مصالح را محقق سازد. دلیل این مقصد به شرح زیر است

الف. فراوانی نصوص کتاب (قرآن) و سنت که برای ترغیب به این عقود و انجام آن‌ها آمده است.

ب. توسعه و تسهیل شارع در وسایل انعقاد این عقود. این دلیل قصد شارع بر گسترش عقود تبرعی را نشان می‌دهد؛ زیرا اگر در وسایل انعقاد آن‌ها سخت‌گیری می‌کرد، دایره این عقود تنگ شده و مانع کثرت آن می‌گردید (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۸۸).

در این زمینه، عز بن عبدالسلام می‌گوید: «بدان که خداوند متعال تصرفاتی را تشریع کرده که مقاصد آن را حاصل و مصالحش را فراهم کند. پس در [هر] باب، عقود را تشریع نموده است که مصالح عام و خاص را تأمین می‌کند. اگر مصلحتی شامل همه تصرفات باشد، آن مصلحت در همه تصرفات تشریع می‌شود و اگر به برخی تصرفات اختصاص داشته باشد، در همان موارد خاص تشریع می‌شود نه در غیر آن. بلکه گاهی در برخی ابواب شرطی لازم دانسته می‌شود که در باب دیگری باطل‌کننده است و این به دلیل در نظر گرفتن مصلحت هر دو باب است» (العز بن عبد السلام، ۱۴۱۴: ۲، ۱۴۳).

بنابراین، این حرف که «وقف مخالف قواعد شریعت است؛ زیرا شامل تملیک منافع معدوم یا مجهول می‌شود»، صحیح نیست. یا این سخن که «وصیت مخالف اصول و قیاس است؛ زیرا قبول با تأخیر از ایجاب صورت می‌گیرد»، هم صحیح نیست و این حرف که



«هبه به دلیل داشتن غرر (ابهام) باید رد شود»، نیز صحیح نیست (نواصة، ۲۰۱۱: ۳۰۵). پس عقود تبرعات ذاتاً مستقل است و بر سایر عقود قیاس نمی‌شود؛ زیرا بر احسان محض بنا شده است. پس اگر [ظاهراً] شامل غرر (ابهام)، جهالت (ناآگاهی) یا مانند آن باشند، برای افزایش احسان و جلوگیری از کاهششان، ضرری ندارد (القرافی، ۱۴۲۹: ۱، ۱۵۱).

ملاحظه می‌شود که این عقود، فواید و منافع فراوانی برای افراد و جامعه به همراه دارد. اگر به مجموع این عقود و آثار آن توجه شود، مشارکت در توسعه اقتصادی ملاحظه می‌گردد، به تکافل اجتماعی کمک می‌نماید، یافتن منابع شرعی برای تأمین مالی را تسهیل می‌کند، بارهای مالی دولت را کاهش می‌دهد، به شکوفایی اقتصادی و اجتماعی جامعه یاری می‌رساند و مصالح زیادی را در پی دارد.

۵-۳-۳. ضرورت رضایت قلبی و قصد در عقود تبرعی

در عقود تبرعی مانند عقود معاوضات، وجود رضایت ضروری است؛ اما رضایت در عقود تبرعات خاص‌تر از عقود معاوضات است؛ زیرا انجام تبرعات باید از روی «طیب نفس» (رضایت قلبی کامل، خشنودی باطنی و بدون اکراه) صادر شود. ابن عاشور در این باره می‌گوید:

مقصد دوم [در فهرست مقاصد خاص تبرعات از نظر او] اینکه تبرعات از روی رضایت قلبی و بدون هیچ تردیدی صادر شوند؛ زیرا این عقود از جنس احسان و سخاوت هستند و در آن‌ها بخشی از مال محبوب بدون عوضی که جایگزینش شود، خارج می‌گردد. پس نیت خالص تبرع‌کننده، سبب نفع عمومی و تحصیل ثواب بزرگ می‌شود؛ به همین دلیل از مقاصد شارع در مورد آن‌ها این بوده که از سوی صاحبانشان به گونه‌ای صادر شوند که پشیمانی به دنبال نداشته باشد، تا از ناحیه احسان کردن، ضرری به نیکوکار نرسد و در نتیجه مردم از انجام کار نیک حذر کنند، زیرا شایسته نیست که به دنبال خیر، شر حاصل شود، به این مطلب، سخن خداوند متعال اشاره دارد: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ». [بقره: ۲۳۳] (هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] به سبب فرزندش). پس «طیب نفس» (رضایت قلبی) حاصل در عقود تبرعات، اخص (خاص‌تر) از طیب نفس در عقود معاوضات است (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۸۹).



از قواعد شریعت این است که مقاصد و اعتقادات در تصرفات و عبارات معتبرند؛ چنانکه در قربات (اعمال نزدیک کننده به خدا) و عبادات معتبرند. پس قصد (نیت) می تواند چیزی را به حلال یا حرام، صحیح یا فاسد و طاعت یا معصیت بدل نماید (ابن قیم، ۱۴۱۱: ۳، ۷۹). به همین دلیل، شارع تأکید کرده است که عقود تبرعات از روی قصد و نفس پاک (طیب قصد و نفس) صادر شوند؛ زیرا از جنس نیکی و احسان هستند. پس نباید تبرع وسیله ای برای ضایع کردن مال دیگران - از قبیل حق وارث، یا طلبکار، (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۹۳) حق خداوند متعال - قرار گیرد.

به همین خاطر، اسلام احکامی را تشریع کرده تا مردم را از سوء استفاده از عقود تبرعات برای رسیدن به مقصودی که از آن نهی شده، باز دارد. از جمله مثال های آن:

الف. عد صحت هبه با هدف و قصد اسقاط زکات؛ هبه از عقود تبرعاتی است که شرع به آن تشویق و ترغیب کرده است؛ اما برخی از بخشندگان (واهبین)، قصدشان از هبه، تبرع و احسان از روی رضایت قلبی نیستند، بلکه هبه را وسیله ای برای اسقاط حق خداوند عزوجل و حق فقرا در اموالشان قرار می دهند. لذا مال خود را پیش از (نزدیک به) سر رسیدن سال خمسی [یا] زکاتی می بخشند تا از پرداخت زکات فرار کنند (نواسه، ۲۰۱۱: ۳۱۶). این نوع تبرع صحیح نیست و انجام دهنده آن ثوابی نمی برد؛ زیرا هبه [باید] برای مهربانی و احسان به دریافت کننده (موهوب له)، گشایش بر او و جلب محبت و الفت او باشد، درحالی که این نوع هبه، ضد آن است (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۳، ۱۲۲).

ب. عدم صحت وصیت بر بیش از یک سوم (ثلث)؛ برخی از مردم با نص قرآنی در این سخن خداوند متعال مخالفت می کنند: «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ»؛ پس از [انجام] وصیتی که بدان سفارش شده، یا [پرداخت] وامی، به شرط آنکه [از این طریق] زیانی [به ورثه] نرساند. [این] سفارشی است از جانب خدا و خدا دانای بردبار است». [نساء: ۱۲]

این افراد، وصیت را وسیله ای برای محروم کردن ورثه از میراث قرار می دهند و به وصیت کردن اموالشان به نفع طرف های خارجی (غیر ورثه) روی می آورند. لذا شرع آمد و دستور داد که مال مورد وصیت، از یک سوم ترکه تجاوز نکند، دلیل حکم شرعی کلام پیامبر (ص)



است که فرمود: «الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ، أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدْعَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أَيْدِيهِمْ» (البخاری، بی تا: ۷، ۶۲؛ مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۵۰). یک سوم، و یک سوم [هم] زیاد است. اینکه ورثه‌ات را بی نیاز بگذاری، بهتر است از آنکه آنان را تنگدست رها کنی که دست نیاز به سوی مردم دراز کنند.

ج. باطل بودن وقف بر پسران از نوادگان، بدون دختران؛ شروط نافذ واقفین (وقف‌کنندگان)، شروطی است که در راستای اطاعت خداوند متعال و مصلحت مکلف باشند؛ (ابن قیم، ۱۴۱۱: ۱، ۲۳۶) زیرا وقف از بزرگ‌ترین قربات (اعمال نزدیک‌کننده به خدا) است. پس واجب است که خالص برای وجه الله تعالی باشد. لذا اگر واقف، [مالی را] بر پسران [نوادگان] وقف کند و دختران را [از آن] محروم نماید، این وقف منعقد نمی‌شود و از او پذیرفته نیست؛ زیرا او با این کار صله رحم را که امر خداوند است، قطع نموده است و با فرائض و احکام الهی مخالفت نموده است (الشوکانی، بی تا: ۶۳۷) و این تصرف او ناقض مقاصد تبرعات است (نواصة، ۲۰۱۱: ۳۱۸).

خاتمه

حمد و سپاس خدایی را که کتابش را با حمد آغاز کرد و آن را آخرین دعای اهل بهشت قرار داد، آنجا که می‌فرماید: «وَأَخِرُّ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». [یونس: ۱۰] و پایان نیایش آنان این است که: «ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است. و درود و سلام بر پیامبر اکرم، محمد و بر خاندان و اصحاب پاکش و آنان که به نیکی تا روز قیامت از ایشان پیروی می‌کنند و اما بعد، در پایان می‌توان مهم‌ترین نتایج و توصیه‌ها را به شرح زیر خلاصه کرد:

نتایج

۱. اهمیت مقاصد شریعت و تأثیر آن در فقه معاملات مالی و در راهنمایی مجتهد برای جهت‌دهی فتوایش در مسائل نوپدید به گونه‌ای که با این مقاصد هماهنگ باشد.
۲. مقصود از تبرعات، بخشش داوطلبانه مال یا منفعت بدون عوض است و شامل صور مختلفی می‌شود، از جمله: وقف، وصیت، صدقه، قرض، هبه و غیره.



۳. عقود تبرعات، بخشی از عقود تملیک (انتقال مالکیت) هستند، اما با عقود معاوضات (قراردادهای دارای عوض) به دلیل عدم وجود عوض از طرف دوم در مقابل آنچه طرف اول به او می‌بخشد، تفاوت دارند.

۴. مقاصد احکام عقود معاوضات با مقاصد عقود تبرعات متفاوت است؛ زیرا دسته دوم (تبرعات) اصلی قائم به ذات هستند و به همین دلیل قیاس یکی بر دیگری صحیح نیست.

۵. از مقاصد خاص شریعت در عقود تبرعات عبارتند از: مقصد عبادت خداوند عزوجل و تقرب به او، مقصد یاری رساندن به ضعیفان مسلمان، مقصد استمرار گردش مال برای طولانی‌ترین مدت، مقصد افزایش دادن تبرعات، مقصد صدور آنها از روی رضایت قلبی (طیب نفس) و قصد (نیت صحیح).

فهرست منابع

القرآن الكريم

١. ابن الأثير، على بن أبي الكرم محمد بن محمد، (١٤١٥ ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، (تح: على معوض و عادل عبدالموجود)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٢. ابن العربي، محمد بن عبد هلال أبو بكر، (١٩٩٢ م)، القبس في شرح موطأ مالك بن أنس، (تح: محمد كريم)، ط ١، بی جا: دار الغرب الإسلامي.
٣. ابن القيم، محمد بن أبي بكر بن أيوب، (١٤١١ ق: ١٩٩١ م)، إعلام الموقعين عن رب العالمين، (تح: محمد إبراهيم)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٤. ابن حجر، أحمد بن علي العسقلاني، (١٣٧٩ ق)، فتح الباری شرح صحيح البخاری، (تعليق: عبد العزيز بن باز، ترقیم: محمد عبد الباقي)، بيروت: دارالمعرفة.
٥. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد، (١٤١٥ ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، (تح: عادل عبد الموجود و علي معوض)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٦. ابن زغيب، عز الدين، (٢٠٠٨ م)، مقاصد الشريعة بالتبرعات والعمل الخيري، بحث مقدم لمؤتمر العمل الخيري الخليجي الثالث، دبي.
٧. ابن زغيب، عز الدين، (١٤٢٢ ق، ٢٠٠١ م)، المقاصد الشرعية الخاصة بالتصرفات المالية، ط ١، مركز جمعة الماجد للثقافة والتراث، دبي.
٨. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر، (١٤١٢ ق، ١٩٩٢ م)، رد المحتار على الدر المختار (حاشية ابن عابدين)، ط ٢، دار الفكر، بيروت، لبنان.
٩. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد، (١٩٨٤ م)، تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد، المعروف بالتحرير والتنوير، تونس: الدار التونسية للنشر.
١٠. ابن عاشور، محمد الطاهر، (١٤٣٢ ق، ٢٠١١ م)، مقاصد الشريعة الإسلامية، (تح: محمد الطاهر الميساوي)، ط ٣، الأردن: دار النفائس.



۱۱. ابن فارس، أحمد بن زكريا القزويني، (۱۳۹۹ ق: ۱۹۷۹ م)، معجم مقاييس اللغة، (تح: عبد السلام هارون)، بيروت: دارالفكر.
۱۲. ابن قدامة، عبدالله بن أحمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق: ۲۰۰۰ م)، المقنع في فقه الإمام أحمد، (تح: محمود الأرناؤوط وياسين الخطيب)، ط ۱، المملكة العربية السعودية: مكتبة السوادي للتوزيع.
۱۳. ابن قدامة، عبد الله بن أحمد بن محمد، (۱۴۲۳ ق: ۲۰۰۲ م)، روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه، ط ۲، بی جا: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، (۱۴۱۴ هـ)، لسان العرب، ط ۳، بيروت: دار صادر.
۱۵. ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، (بی تا)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ط ۲، بی جا: دار الكتاب الإسلامي.
۱۶. الآمدي، علي بن أبي علي بن محمد، (بی تا)، الإحكام في أصول الأحكام، (تح: عبد الرازق عفيفي)، بيروت: المكتب الإسلامي.
۱۷. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم، (۱۴۲۲ ق)، الجامع المسند الصحيح من أمور رسول الله (وسننه وأيامه) (المعروف بصحيح البخاري)، (تح: محمد زهير بن ناصر، شرح وتعليق: د. مصطفى ديب البغا)، ط ۱، بی جا: دار طوق النجاة.
۱۸. بدران، أبو العنين بدران، (بی تا)، الشريعة الإسلامية تاريخها ونظرية الملكية والعقود، الإسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة.
۱۹. التجكاني، محمد الحبيب، (۱۴۰۳ ق: ۱۹۸۳ م)، نظام التبرعات في الشريعة الإسلامية، بی جا: دارالنشرالمغربية، الدار البيضاء.
۲۰. الجصاص، أحمد بن علي، (۱۴۰۵ ق)، أحكام القرآن، (تح: محمد القمحاوي)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۱. الحسني، إسماعيل، (۱۴۱۶ ق: ۱۹۹۵ م)، نظرية المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور، ط ۱، بی جا: المعهد العالي للفكر الإسلامي.

٢٢. حسين، على موسى، (١٤٣١ ق: ٢٠١٠ م)، مقصد حفظ المال فى التصرفات المالية ضوابطه وآثاره، رسالة دكتوراه، كلية العلوم الاجتماعية والعلوم الإسلامية، جامعة الحاج لخضر، باتنة، الجزائر.
٢٣. حماد، نزيه، (١٤٢٩ ق: ٢٠٠٨ م)، معجم المصطلحات المالية والاقتصادية، ط ١، دمشق: دار القلم، دمشق.
٢٤. الخليفى، رياض منصور، (١٤٢٥ ق: ٢٠٠٤ م)، المقاصد الشرعية وأثرها فى فقه المعاملات المالية، العدد (١)، مجلد (١٧)، مجلة جامعة الملك عبد العزيز: الاقتصاد الإسلامى.
٢٥. الرازى، محمد بن أبى بكر بن عبد القادر، (١٤٢٠ ق: ١٩٩٩ م)، مختار الصحاح، (تح: يوسف محمد)، ط ٥، بيروت: المكتبة العصرية.
٢٦. رشيد رضا، محمد رشيد بن على رضا، (١٩٩٠ م)، تفسير القرآن الكريم المشهور بتفسير المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
٢٧. الريسونى، أحمد، (١٤١٥ هـ: ١٩٩٥ م)، نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبى، (قدم له: طه العلوانى)، ط ٤، المعهد العالمى للفكر الإسلامى.
٢٨. الزبيدى، محمد بن محمد بن عبد الرزاق، (بى تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهداية.
٢٩. الزرقا، مصطفى أحمد، (١٤٢٥ ق: ٢٠٠٤ م)، المدخل الفقهي العام، ط ٢، دمشق: دار القلم.
٣٠. الزركلى، خير الدين بن محمود بن محمد، (٢٠٠٢ م)، الأعلام، ط ١٥، بى جا: دارالعلم للملايين.
٣١. السبكى، تاج الدين عبد الوهاب بن تقى الدين، (١٤١٣ ق.)، طبقات الشافعية الكبرى، (تح: محمود الطناحى وعبد الفتاح الحلوى)، ط ٢، بى جا: هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
٣٢. السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، (١٤١١ ق: ١٩٩٠ م)، الأشباه والنظائر، ط ١، بيروت: دار الكتب العلمية.



۳۳. الشاطبی، إبراهیم بن موسی بن محمد، (۱۴۱۷ ق: ۱۹۹۷ م)، *الموافقات*، (تح: مشهور سلمان)، ط ۱، بی جا: دار ابن عفان.
۳۴. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، (بی تا)، *السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار*، ط ۱، دار ابن حزم (بدون سنة نشر).
۳۵. الطبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۲۰ ق: ۲۰۰۰ م)، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، (تح: أحمد شاکر)، ط ۱، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۳۶. الطوفی، سلیمان بن عبد القوی بن الکریم، (۱۴۰۷ ق: ۱۹۸۷ م)، *شرح مختصر الروضة*، (تح: عبد الله التركي)، ط ۱، بی تا: مؤسسة الرسالة.
۳۷. العزبن عبد السلام، عبد العزیز بن عبد السلام بن أبی القاسم، (۱۴۱۴ ق: ۱۹۹۱ م)، *قواعد الأحكام فی مصالح الأنام*، (علق علیه: طه سعد)، القاهرة: مكتبة الكلیات الأزهرية.
۳۸. الغزالی، أبو حامد محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق: ۱۹۹۳ م)، *المستصفی*، (تح: محمد عبد السلام عبدالشافی)، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۹. الفاسی، عاقل، (۱۹۹۳ م)، *مقاصد الشریعة الإسلامیة ومکارمها*، ط ۵، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۴۰. الفیومی، أحمد بن محمد بن علی، (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت: المكتبة العلمیة.
۴۱. القرافی، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، (بی تا)، *أنوار البروق فی أنواء الفروق (المشهور بالفروق)*، القاهرة: عالم الکتب.
۴۲. القرضاوی، یوسف، (رجب ۱۴۲۹ ق: یولیو ۲۰۰۸ م)، *مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال*، بحث مقدم للمجلس الأوروبي للإفتاء والبحوث، الدورة الثامنة عشرة، دبلن.
۴۳. کحالة، عمر بن رضا بن محمد، (بی تا)، *معجم المؤلفین*، بیروت: مكتبة المشی.
۴۴. مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النیسابوری، (بی تا)، *المسند الصحیح المختصر*

بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ((المعروف بصحيح مسلم)، (تح: محمد فؤاد عبد الباقي)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٥. معصر، عبد الله، (١٤٢٨ ق: ٢٠٠٧ م)، تقريب معجم مصطلحات الفقه المالكي، ط ١، بيروت: دار الكتب العلمية.

٤٦. الموسوعة الفقهية الكويتية، (١٤٠٦ ق: ١٩٨٦ م)، ط ٢، الكويت: صادرة عن وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، دارالسلاسل.

٤٧. نواصة، يوسف، (٢٠١١ م)، عقود التبرع في الشريعة الإسلامية أحكامها ومقاصدها، رسالة دكتوراه، كلية العلوم الإسلامية، جامعة الجزائر.

٤٨. النووي، يحيى بن شرف، (١٣٩٢ هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ط ٢، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٩. اليوبي، محمد سعد بن أحمد، (١٤١٨ هـ: ١٩٩٨ م)، مقاصد الشريعة وعلاقتها بالأدلة الشرعية، ط ١، المملكة العربية السعودية: دار الهجرة للنشر والتوزيع.

٥٠. اليوسف، انتصار عبد الجبار مصطفى، (٢٠٠٧ م)، المقاصد التشريعية للأوقاف الإسلامية، رسالة ماجستير، كلية الدراسات العليا، الجامعة الأردنية، الأردن.

١٤٠



خزان و زمستان ١٤٠٣



شماره هفتم



سال چهارم



دوفصلنامه یافته‌های اقتصادی

